



1

Vol. 10
spring 2025

Research Paper

Received:
31 May 2024
Revised:
24 June 2024
Accepted:
11 August 2024
Published:
05 April 2025
P.P: 11-34

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



Investigating group factors on political participation in the 13th presidential election, a case study (Kurdistan and Sistan and Baluchistan provinces)

Mojtaba miri¹ | Motaba maghsudi *² | Hojat alah Darvish pur³

Abstract

Due to the important role of elections, especially presidential elections, in society, it is of great importance to identify, evaluate, and map the factors affecting presidential elections. In this study, the main goal is to investigate and identify the factors affecting political participation in the 13th presidential election. The current study is quantitative in terms of approach and correlational and descriptive in terms of strategy and data collection. The data collection tools are library and field studies and a researcher-made questionnaire. The statistical population of the study included politicians, university professors, and political and social students. The sample size was 100 people who were selected by random sampling. Cronbach's alpha was used to estimate the validity from the experts' point of view and for reliability. In this study, four factors; social, economic, political and religious are the factors that influence elections. The results of Cronbach's alpha coefficient evaluation showed that all research variables have alpha above 0.7. SPSS 23 software was also used to analyze the data and test the hypotheses. The findings showed that according to the results of the Friedman test and the average of the factors studied regarding the factors affecting electoral political participation, from the respondents' point of view, the economic factor (3.57) is the most important factor in participation. After that, the social factor (2.77) is considered one of the factors affecting political participation. From the respondents' point of view, the religious factor (1.20) has the least effect on political participation.

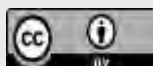
Keywords: Participation, Elections, Political Participation, Economic Factor, Social Factor.

1. PhD student in Political Science, Faculty of Political Science, Tehran Azad University, Center, Tehran, Iran. mojtabamiri43@gmail.com
2. Associate Professor, Faculty of Political Sciences, Tehran Azad University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Faculty of Political Sciences, Tehran Azad University, Center, Iran, Tehran

Cite this Paper: Miri, M & Maghsudi, M & Darvish pur, H.A (2025). Investigating group factors on political participation in the 13th presidential election, a case study (Kurdistan and Sistan and Baluchistan provinces). *State Studies of Contemporary*

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم مطالعه موردی: (استان کردستان و سیستان و بلوچستان)

مجتبی میری^۱ | مجتبی مقصودی^{۲*} | حجت اله درویش پور^۳

چکیده

در این پژوهش هدف اصلی بررسی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ریاست جمهوری سیزدهم است. تحقیق حاضر از لحاظ رویکردی، کمی و از نظر راهبردی و گردآوری داده‌ها، همبستگی و توصیفی از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و پرسش‌نامه به صورت محقق ساخته طراحی گردیده و جامعه آماری پژوهش شامل سیاستمداران، اساتید دانشگاه و دانشجویان سیاسی اجتماعی و حجم نمونه ۱۰۰ نفر بوده که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند برای برآورد روایی از نظر صاحب‌نظران و برای پایایی ابزار آلفای کرونباخ استفاده به عمل آمد. در این پژوهش چهار عامل؛ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی عوامل تشکیل‌دهنده تأثیرگذار در انتخابات هستند. نتایج ارزیابی ضریب آلفای کرونباخ نشان داد همه متغیرهای پژوهش آلفای بالای ۰/۷ دارند. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیات از نرم‌افزار SPSS 23 استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد با توجه به نتایج آزمون فریدمن و میانگین عوامل مورد بررسی پیرامون عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی انتخاباتی، از دیدگاه پاسخگویان عامل اقتصادی (۳/۵۷) مهم‌ترین عامل در مشارکت است.

کلیدواژه‌ها: دولت سیزدهم، انتخابات، مشارکت سیاسی، عامل اقتصادی، عامل اجتماعی.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران.

۲. دانشیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران: ایران.

۳. استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران: ایران

استناد: میری، مجتبی و مقصودی، مجتبی و درویش پور، حجت اله (۱۴۰۴). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم مطالعه موردی: (استان کردستان و سیستان و بلوچستان)، **دولت پژوهی ایران معاصر**، (۱۰)، ۳۴-۱۱.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندهگان



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

انتخابات به مثابه یکی از انواع مشارکت سیاسی جایگاه ویژه‌ای در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی به طور عام و جامعه‌شناسی سیاسی انتخابات به طور خاص دارد. در این راستا رأی‌دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم‌سالار و دموکراتیک است. انتخابات در واقع یک نوع سازوکار اجتماعی برای گردآوری و تشخیص گزینه‌ها و ارجحیت‌های سیاسی است. همه نظام‌های سیاسی که خاستگاه آنها مردم‌سالاری است، دغدغه مشارکت شهروندان در فرآیندهای سیاسی به عنوان بازیگران مؤثر را دارند. (امام جمعه زاده و جواد کرمی راد، ۱۳۹۱: ۱۱). توجه به نقش شگفت‌انگیز انتخابات در سرنوشت کشورها اهمیت بررسی و تحلیل رفتار و الگوی انتخابات را در جوامع مختلف دوچندان کرده است (صالح‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳).

انتخابات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام محسوب و هر دو سال یکبار در کشور در قالب انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، شوراها و انتخابات مجلس خبرگان برگزار می‌شود؛ درحقیقت انتخابات به عنوان مهم‌ترین کنش سیاسی شهروندان در ایران محسوب می‌شود. در این بین انتخابات ریاست جمهوری به دلیل شرایط خاص کشور و جایگاه مهم ریاست جمهوری از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد (رفیعی قهساره و امینی، ۱۴۰۲: ۱۰). انتخابات ریاست جمهوری به دلیل نقش اساسی در حاکمیت و جایگاه مهم آن در قانون اساسی هم در جامعه و هم از نگاه بین‌المللی از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد به همین دلیل توجه به نقش ریاست جمهوری، انتخابات آن و رفتار انتخاباتی مردم در انتخابات ریاست جمهوری دارای اهمیت وافر می‌باشند (نوابخش و همکاران، ۱۳۹۳: ۴). حوادث اجتماعی - سیاسی را می‌توان از زوایای گوناگون مورد ارزیابی و تحلیل قرارداد. توجه به عوامل درونی و آنچه ماهیت پدیده را شکل می‌دهد در کنار مقاطع ادواری خاص پدید، آثار، نتایج و دستاوردها مورد توجه است. یکی از مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده و یا تشدیدکننده این حوادث توجه به عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند که در بطن و ساختار هر جامعه‌ای یافت می‌شوند. هر چند به دلیل ماهیت متفاوت آنها در جوامع مختلف توافقی بر سر تعریف وجود ندارد، اما اغلب این نکته را

می‌پذیرند که این عوامل بیانگر معیارهایی هستند که اعضای جامعه را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کنند. این معیارها می‌توانند تاریخی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، جغرافیایی و... باشند. بررسی تأثیر نیروهای اجتماعی بر زندگی سیاسی نیازمند شناخت مبانی تکوین آنها است. زندگی سیاسی در هر کشور به طرق مختلف تحت تأثیر عوامل مختلف موجود در آن جامعه قرار گرفته و براین اساس شناخت مهم‌ترین آنها در جامعه و مفهوم آنها در جامعه‌شناسی از اهمیت به سزایی برخوردار است.

ایران امروز به دلیل حضور در منطقه خاورمیانه و در حال گذار بودن، پتانسیل بالایی برای تراکم مسائل اجتماعی-اقتصادی در بطن جامعه خود دارد. انتخابات سیزدهم ریاست جمهوری در ایران را می‌توان به منزله یک پدیده اجتماعی-سیاسی، متأثر از عوامل مهم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، علل و زمینه‌های شکل‌گیری و حادث شدن آنها بررسی کرد و از ورای آن نسبت به ارزیابی نتایج و دستاوردهای پدیده مذکور پرداخت. در ادوار گذشته و خصوصاً از سال ۱۳۷۶ به بعد انتخابات ریاست جمهوری ماهیتی چالشی و انتقادی داشته است. مردم بیشتر خواهان تغییرات بنیادی و دگرگونی‌های سریع و عمیق هستند که رفتار انتخاباتی مردم نیز متأثر از همین توقعات می‌باشد. اما تجربه نشان داده که نامزدها ناتوان از برآورد خواست ملت هستند و عملکرد بیشتر آنها در حد شعار انتخاباتی باقی مانده است (غفوری، ۱۳۹۱: ۱۴). در این پژوهش درصدد آن هستیم که انتخابات سیزدهم ریاست جمهوری ایران را مبتنی بر اثرپذیری از به طور خاص مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر استان‌های (سیستان و بلوچستان و کردستان) مورد بررسی قرار دهیم. در واقع، در جهت تبیین و تحلیل بالقوه یا بالفعل بودن عوامل مذکور در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری در ایران این مسئله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری پژوهش

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از مفاهیمی است که در چند دهه اخیر بسیار به آن توجه شده است. این مفهوم از یک سو برای کارکرد و تاب‌آوری هر نظام سیاسی مهم قلمداد می‌شود و از سوی دیگر در نظام‌های دموکراتیک و فرآیندهای تصمیم‌گیرهایشان از وجهی غیرقابل چشم‌پوشی برخوردار

است (Deth van, ۲۰۱۵) به همین دلیل بسیاری از محققان بر اهمیت سنجش مشارکت سیاسی به عنوان شاخص منعکس کننده سلامت دموکراسی های مدرن تأکید کرده اند (Ginieniewicz, 2007)؛ به نحوی که یکی از محورهای اساسی اصلاح نسخه های مرسوم دموکراسی و امتداد آنها به سوی دموکراسی های نوین همچون دموکراسی مشارکتی و شورایی، افزایش کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی شهروندان قلمداد شده است (دالپورتا، ۱۳۹۷: ۴۵) مایکل راش مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از رأی دادن تا داشتن مقام رسمی سیاسی در نظر می گیرد (راش، ۱۳۹۳: ۶۵). ماکرون وینر مشارکت سیاسی را عبارت از هرگونه عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر، شامل به کارگیری روش های قانونی یا غیرقانونی می داند که بر انتخاب سیاست های عمومی، اداره امور عمومی و انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی تأثیرگذار است (واینر، ۱۳۸۰). مشارکت سیاسی، هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر، شامل روش های مشروع یا نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است. (واینر و هانتینگتون ۱۳۷۹: ۱۴۰). مشارکت سیاسی دارای سطوح و مراتب مختلفی است که از بالا به پایین به شرح زیر رتبه بندی شده است: داشتن پست سیاسی یا اجرایی، خواهان پست سیاسی یا اجرایی بودن، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی، شرکت در جلسات عمومی، تظاهرات و غیره، عضو غیرفعال یک سازمان سیاسی، عضو غیرفعال یک سازمان شبه سیاسی، شرکت در مباحث سیاسی غیررسمی، علاقه مندی نسبی به امور سیاسی و رأی دادن (راش، ۱۳۸۷: ۱۲). مشارکت سیاسی آن دسته از کنش های داوطلبانه که از طریق آنها اعضای یک جامعه در گزینش حاکمان و مستقیم و غیرمستقیم در شکل گیری سیاست های عمومی نقش دارند (آنتونی بریج، ۱۹۹۷). از نیمه دوم قرن بیستم پژوهشگران رفتار سیاسی کوشیده اند علل و انگیزه های مشارکت سیاسی و به خصوص مشارکت انتخاباتی را مورد بررسی قرار دهند. توجه به این نکته ضرورت دارد که عوامل متعددی در مشارکت سیاسی به طور عام و مشارکت در انتخابات به طور خاص دخالت دارند و ارائه یک نظریه جامع برای تبیین مشارکت سیاسی یا در سطح محدودتر، مشارکت انتخاباتی اصولاً امکان پذیر نیست و اغلب

نظریه پردازی‌ها در قالب نظریه‌های میان‌بردی که رابطه متغیر خاصی را با مشارکت سیاسی (مشارکت انتخاباتی) به آزمون می‌گذارند، صورت گرفته است.

نظریه‌های مشارکت سیاسی

دسته‌بندی‌های گوناگونی پیرامون مبحث مشارکت سیاسی صورت گرفته است دو رویکرد متفاوت وجود دارند که می‌کوشند کارآمدترین چارچوب را برای تبیین انگیزه مردم برای رأی دادن یا ندادن و انتخاب یک حزب سیاسی از میان احزاب دیگر ارائه دهند (بیگدلو، ۱۴۰۰: ۱۰). این دو رویکرد عبارت‌اند از:

رویکرد نئوکلاسیک (انتخاب عمومی)

این رویکرد توسط آنتونی داونز، جیمز بوچانان، گوردن تولاکه، ویلیام ریکر، پتر اورد شاک و دنیس مولر بسط یافت. بر اساس این رویکرد، انگیزه‌های افراد برای رأی دادن عمدتاً برگرفته از منافع شخصی اقتصادی آنان است. افراد به دنبال کسب امتیازات شخصی از سیاست‌های دولت هستند و نامزدها و احزابی را برمی‌گزینند که امتیازات و منافع ملموس و مورد نظر آنها را محقق سازد. این رویکرد سه فرض درباره رفتار انتخاباتی دارد که به یکدیگر بسیار نزدیک هستند: ۱- نظریه‌هایی که رویکرد نئوکلاسیک (انتخاب عمومی) دارند، نوعی موضع فردگرایانه روش‌شناختی را برمی‌گزینند، لذا بر اساس این نظریه‌ها، افراد (نه گروه‌ها، نهادها یا جامعه) اصلی‌ترین واحد تجزیه و تحلیل هستند. اهداف، اولویت‌ها، اعتقادات، انتظارات، برداشت‌ها و انگیزه‌های فردی، توضیح‌دهنده مشارکت انتخاباتی هستند. افراد در انتخاب خود از استقلال گسترده‌ای برخوردارند و آزاد از محدودیت‌های فرهنگی و ساختاری تصمیم‌گیری می‌کنند. جامعه نیز مجموعه‌ای از افراد متعامل است، نه یک موجودیت کل‌گرا، این مجموعه به تصمیمات شخصی (رأی دادن) شکل و قالب می‌دهد. ۲- افراد در حیات سیاسی منطقی عمل می‌کنند. تصمیمات آنان با دوراندیشی، حسابگری، منفعت‌جویی و تدبیر همراه است. منطق و عقلانیت در نظریه‌های انتخاب عمومی به معنای جهت‌گیری ابزاری است. فرد برای یافتن ابزارهای مؤثر رسیدن به اهدافش، انگیزه و ظرفیت شناختی دارد. ۳- رأی‌دهندگان می‌کوشند منفعت را به حداکثر برسانند تا امتیازات و منافع از هزینه‌ها بیشتر شوند. تصمیمات فرد در انتخابات ناشی از اولویت‌ارزشی (خشنودی‌ها و مزایای مورد انتظار) و نیز احتمال تحقق این اولویت‌هاست. رأی‌دهندگان،

حزب یا نامزدی را انتخاب می‌کنند که سیاست‌هایش با مواضع شخصی آنان سنخیت و تناسب داشته باشد.

رویکرد انتخاب منطقی ساختارگرا

این رویکرد بر مفاهیم جامعه‌شناختی از قبیل ارزش‌ها، هنجارها و ساختارها برای تبیین رفتار رأی‌دهی تکیه می‌کند. این رویکرد توسط جورج هومانس، میشل هجر، کارل دیتروپ^۱، اردن ویلدافسکی، دنیس چونگه و دانیل لیتل ارائه گردید. در این رویکرد تصور بر این است که اعتقادات فرهنگی ارزش‌ها و هنجارها و ساختارهای اجتماعی سیاسی بر نیات رأی‌دهندگان تأثیر می‌گذارند. افراد علاوه بر تلاش برای کسب منافع شخصی خود، در اندیشه رفاه مردم نیز هستند. بر اساس این رویکرد افراد نقشی فعال در پردازش اطلاعات سیاسی و ارزیابی گزینه‌های موجود دارند؛ اما تصمیمات آنها به طور مستقل اتخاذ نمی‌شود، چون فرصت‌ها و محدودیت‌های ساختاری در تصمیم‌گیری آنها تعیین‌کننده‌اند (آندریین و اپتر، ۱۳۸۰: ۳۹۲-۳۹۰).

دسته‌بندی دیگر، توسط وایتلی صورت گرفته است و معتقدند مدل‌های مختلفی برای تبیین مشارکت سیاسی وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

مدل اراده‌گرایی مدنی: ایده اصلی و مرکزی این مدل، میزان مشارکت سیاسی است و دلیل عدم مشارکت مردم آن است که منابع لازم را در اختیار ندارند یا به علت عدم علاقه، به مسائل سیاسی نمی‌پردازند یا در معرض جلب مشارکت در امور سیاسی قرار نگرفته‌اند. مدل انتخاب عقلانی: برای تحلیل مشارکت سیاسی بر اساس تئوری انتخاب عقلانی و مغایرت هزینه مشارکت جمعی و کسب منافع فردی، به آستانه تحول توجه می‌شود که بیانگر آن است وقتی هزینه مشارکت در کنش جمعی کم باشد، افراد احتمالاً آن را نادیده می‌گیرند و شرکت در رأی‌گیری از مواردی است که هزینه آن پایین‌تر از این آستانه قرار دارد. به عبارت دیگر شرکت در رأی‌گیری هزینه زیادی به افراد تحمیل نمی‌کند (سید امامی، ۱۳۸۵: ۱۹).

مدل روان‌شناختی اجتماعی: این مدل بیشتر اشکال غیرمتعارف مشارکت سیاسی مانند اعتراض و شورش را در برمی‌گیرد. این مدل بر روی هنجارها و ارزش‌های مورد انتظار تأکید می‌کند و به تبیین رابطه بین گرایش‌ها و مشارکت سیاسی می‌پردازد. مدل بسیج: در مدل بسیج تأکید بر این است که افراد باتوجه به فرصت‌های سیاسی که در محیط‌شان وجود دارد و همچنین باتوجه به

انگیزشی که توسط سایرین در آنها به وجود آمده، در امور سیاسی مشارکت می‌کنند. مدل انگیزه‌های عمومی: این مدل وجود تمایلات شدید مشارکت را که بر وابستگی‌های متمرکز هستند، تبیین می‌کند و ترکیبی از مدل انتخاب عقلانی و روان‌شناختی اجتماعی برای تشریح مشارکت سیاسی است. جوهره و عصاره این مدل این است که کنشگران، نیازمند انگیزه‌هایی برای اطمینان از مشارکت خود در امور سیاسی هستند (پرچی، ۱۳۸۶: ۴۳).

الگوی تلفیقی پیا نوریس

دسته‌بندی سوم متعلق به پیانوریس است. وی با تلفیق رویکردهای جامعه‌شناختی ساختاری و روان‌شناختی (فردی) الگویی را برای تبیین مشارکت سیاسی ارائه داده است که در این الگو، به سه دسته نظریات کلان، متوسط و خرد اشاره دارد.

۱. در سطح کلان: دو مجموعه از نظریات مطرح شده: گروه اول از نظریات کلان بر این امر تأکید می‌کند ساختار دولت در یک جامعه، تعیین‌کننده نوع و سطح مشارکت شهروندان است. منظور از ساختار دولت به طور عام ساختارهای قانون اساسی، نظام حزبی، قوانین و نظام انتخاباتی و نظایر آن است که در سطح کلان در یک جامعه بر مشارکت تأثیر می‌گذارد و می‌تواند تبیین‌کننده تفاوت‌ها بین جوامع مختلف باشد. دسته دیگر از نظریات کلان بر یک نکته پافشاری می‌کنند که فرآیند مدرنیزاسیون باعث تغییر جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی از جمله مشارکت می‌شود. برخی از این تحولات عبارت‌اند از: ارتقای سطح زندگی، رشد بخش خدمات، افزایش سطح سواد و فرصت‌های آموزشی، تغییر مناسبات اقتصادی از سنتی (کشاورزی و دامداری به مدرن صنعتی)، گسترش طبقه متوسط و بروز این تحولات در سطح فردی را می‌توان در تغییر ارزشها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد از جمله در حوزه سیاست مشاهده کرد (بشیری و قاضیان، ۱۳۸۴: ۱۱).

۲. در سطح میانی: نظریه‌های مختلفی ارائه شده که از آنها تحت عناوینی چون نظریه‌های سازمانی یا نظریه‌های عوامل یا کارگزاران بسیج یاد می‌شود. این اعتقاد وجود دارد که در تبیین مشارکت سیاسی شهروندان باید توجه بیشتری به عوامل بسیج اجتماعی و سیاسی و شبکه‌های اجتماعی در فعال‌سازی و بسیج شهروندان مبذول داشت. مهم‌ترین عوامل و کارگزاران بسیج عبارت‌اند از: احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و صنفی، کلیساها و مراکز مذهبی، انجمن

های داوطلبانه و رسانه‌های خبری. بر اساس این نظریه‌ها، تفاوت‌هایی در نوع و سطح مشارکت سیاسی در کشورهای دارای نظام‌های دموکراتیک دیده می‌شود که بر اساس نقش و میزان تأثیر کارگزاران بسیج اجتماعی و سیاسی، قابل تبیین است (پیانوریس: ۲۰۰۲).

۳. در سطح خرد: می‌توان از دو گروه نظریه تحت عناوین نظریه منابع و نظریه انگیزش یاد کرد. در نظریه منابع این عقیده مطرح است که افراد برخوردار از منابع بیشتر، سطوح بالاتری از مشارکت را از خود نشان می‌دهند. از مهم‌ترین منابع تأثیرگذار بر مشارکت می‌توان به تحصیلات، درآمد، زمان آزاد و ارتباطات و مهارت‌های مشارکتی در سازمانها و انجمن‌ها اشاره کرد. در نظریه انگیزش، اعتقاد بر این است که وجود منابع موجب تسهیل مشارکت شهروندان می‌شود، اما در صورتی که شهروندان انگیزه لازم برای مشارکت نداشته نباشند، به این کار مبادرت نمی‌ورزند. عوامل انگیزشی دامنه گسترده‌ای دارند و می‌توانند از انگیزه‌های مادی تا انگیزه‌های ارزشی و نگرشی را در بر گیرند برخی از مهم‌ترین انگیزه‌هایی که تصور می‌شود بر مشارکت سیاسی اثرگذار باشند عبارت‌اند از: احساس وظیفه (ملی یا مدنی)، اعتقادات مذهبی و ارزش‌های سیاسی افراد. اگر فرد احساس کند با رأی دادن یا مشارکت در سیاست، وظیفه مدنی یا دینی خود را انجام داده و همچنین اگر به ارزشهای موافق نظام حاکم یا ارزش‌های ترویج‌کننده اصل مشارکت اعتقاد داشته باشد، احتمال مشارکت وی افزایش می‌یابد. (سیدامامی و عبدالمطلب، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۶).

عوامل مشارکت سیاسی

- عوامل سیاسی

مهم‌ترین عامل توسعه سیاسی در کشورها مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی برگرفته از تصمیمات نخبگان حاکم یا سیاست‌های آنان یا تابعی از توسعه است. به عبارتی نخبگان برای تثبیت قدرت خود، تحکیم استقلال ملی، اصلاحات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و مشارکت‌بخش‌هایی از نظریات لیبرالی توسعه که مشارکت سیاسی را محصول قطعی فرایند توسعه اجتماعی اقتصادی می‌داند، اظهار می‌دارند این فرایند تأثیرگذاری را تنها در دوره‌های طولانی زمانی می‌توان مشاهده نمود به‌طور کلی عواملی مانند مهاجرت، جنگ‌علائق دینی و اعتقادی کاملاً جدا از توسعه اقتصادی می‌تواند در افزایش مشارکت سیاسی تأثیرگذار باشد (قاسمی، ۱۳۷۹).

- عوامل اجتماعی

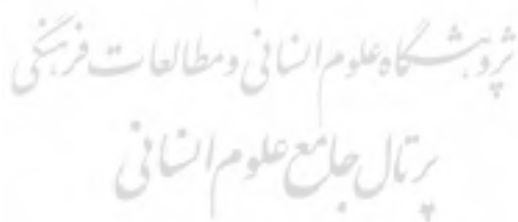
بر اساس این نظریات موقعیت و وضعیت اجتماعی سیاسی و فرهنگی تعیین کننده میزان مشارکت سیاسی افراد و فعالیت‌های سیاسی آنها است. به عقیده اینگلهارت صنعتی شدن، شهرنشینی و سواد عمومی، تشکیل اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی توده‌ای را که منجر به حق رأی بیشتر مردم در انتخابات می‌شود، سپس آنگاه که تجهیز شناختی صورت پذیرد مردم نیروی بالقوه فزاینده خود را برای اشکال فعال‌تر مداخله در تصمیم‌گیری‌های سیاسی توسعه می‌دهند و همچنین به عواملی نظیر وجود یک طبقه متوسط، نیروند افزایش‌های مهارت‌های مشارکت و همچنین پیدایش هنجارها و نگرش‌هایی در میان عموم مردم که ضامن نهادهای دموکراتیک، هستند توجه می‌کند. از نظر اینگلهارت از مهم‌ترین هنجارها و نگرش‌های ضامن دموکراسی وجود حس اعتماد میان شهروندان است. وی بحث مفصلی را در این رابطه بیان کرده است. به عقیده وی سه متغیر رضایت از زندگی توسعه اقتصادی و حس اعتماد "میان مردم با یکدیگر دارای ارتباط متقابل هستند تأثیر توسعه اقتصادی تنها تا اندازه‌ای که منجر به دگرگونی‌های لازم در ساختار فرهنگی و اجتماعی و سیاسی شود بقای نهادهای دموکراتیک را افزایش می‌دهد (اینگلهارت، ۱۴۰۰: ۱۷۳)

- عوامل دینی یا مذهبی

موضوع دین و دین‌داری یکی از مباحثی است که همواره در مشارکت سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. از آنجا که باورهای مذهبی در جامعه‌پذیری افراد جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کنند. تحقیقات زیادی در این زمینه نوشته شده که همه آنها بر تأثیر دین‌داری بر مشارکت سیاسی افراد در امور جامعه تأکید دارند از دیدگاه جونز و لیل، یکی از مهم‌ترین عواملی که بر روی رفتار مشارکتی و رفتار انتخاباتی شهروندان نقش مؤثری ایفا می‌کند موضع‌گیری دینی و مذهبی شهروندان است. تحکیم و تقویت روابط اجتماعی تأثیرگذار است (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۵). دینداری عبارت است از پذیرش کل یا قسمتی از اخلاقیات عقاید و احکام دینی به طوری که فرد مذهبی خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه می‌داند (ذاکری، ۱۳۹۴: ۴۶).

- عوامل اقتصادی

مهم‌ترین نوع بحران و نارضایتی‌های عمومی، در حوزه اقتصاد وجود دارد. تداوم دوره‌های رکود و نابسامانی اقتصاد و شدت گرفتن آن به نقطه عطفی می‌رسد که نظام اقتصادی را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهد و لذا موقعیتی بحرانی و ناراضی‌ساز شکل می‌گیرد (پیران ۱۳۸۳: ۸۱). شمار تظاهرات و ناآرامی‌ها بانگیزه‌های اقتصادی یا رفاهی معین در جوامع گوناگون فراوان هستند. در سطح بین‌المللی نیز به جهت وابستگی متقابل اقتصادی کشورها عواملی نظیر سقوط ارزش پول یا ارز ملی نیز می‌تواند عامل ایجاد نارضایتی باشد از دیگر نشانه‌های نارضایتی‌های اقتصادی می‌توان به افزایش بیکاری افت چشمگیر درآمدها، کاهش حجم تولیدات ورشکستگی، تورم و رکود در جامعه اشاره داشت (نوذری، ۱۳۸۴: ۴۸). افرادی که بیشتر وقت و انرژی خود را صرف پیدا کردن کار و تأمین نیازهای اولیه می‌کنند، بنابراین زمان کمتری برای مشارکت در امور سیاسی دارند. از طرفی فشارهای مالی می‌تواند منجر به استرس و نگرانی‌هایی شود که تمرکز بر مسائل سیاسی را دشوار می‌سازد. در نتیجه عوامل اقتصادی می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل برای کاهش مشارکت باشند (عزیزیان و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲).



پیشینه پژوهش

مطالعه مشارکت سیاسی در ایران سابقه طولانی نداشته و به صورت جدی به تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و بعد از آن برمی گردد. هرچند در این سال‌ها پژوهش‌هایی صورت گرفته ولی بیشتر به صورت رسمی و در قالب سازمان‌های دولتی بود. از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان به: عموزاده و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل فرهنگی و فردی مؤثر بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی؛ مشارکت شهروندان استان ایلام در انتخابات نمایندگی مجلس شورای اسلامی دوره یازدهم»؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که عوامل فرهنگی و فردی بر مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان ایلام تأثیر مثبت و معناداری دارند. در این بین رسانه‌های اجتماعی، سبک رسانه‌ای، عوامل انگیزشی، خانواده، دوستان و همچنین ویژگی‌های نامزد انتخاباتی بر مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان ایلام تأثیر مثبت و معناداری داشته‌اند. صادقی سرچشمه و مرشدی زاد (۱۴۰۲) در پژوهش خود تحت عنوان «نقش اعتماد اجتماعی در انگیزه مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد» نشان دادند، از میان انواع اعتماد (اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته، اعتماد به کنشگران سیاسی، نظام سیاسی، نهادهای سیاسی، نهادهای آموزشی، نهادهای خدماتی، نهادهای اقتصادی و نهادهای مذهبی) فقط میانگین گویه‌های مربوط به اعتماد بین شخصی و نهادهای آموزشی متوسط به بالا بود. همچنین گویه‌های مربوط به انواع مشارکت سیاسی (مشارکت سیاسی انتخاباتی آینده، گذشته، غیر انتخاباتی و منفی) فقط مشارکت سیاسی انتخاباتی گذشته، متوسط به بالا بود. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بین متغیرهای مستقل با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که بیشترین و کمترین عامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی مربوط به متغیرهای اعتماد به نظام سیاسی و تحصیلات می‌باشد. همچنین عشایری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان «فراتحلیل پژوهش‌های مرتبط با خشونت سیاسی - قومی: بازه زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۴۰۰، نشان دادند که عوامل فرهنگی (تعلق خرده فرهنگی، تحریک رسانه‌ای، سرمایه فرهنگی، تعلق مذهبی)، اجتماعی (انزوای اجتماعی، هویت ملی، احساس تبعیض، احساس محرومیت و ناکامی)، سیاسی (انسجام سیاسی، مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، فرهنگ سیاسی پایین)، روانی (احساس منزلت قومی، تنش و اختلاف قومی، احساس بیگانگی، تحریک هویت

قومی) و عوامل زمینه‌ای (تحصیلات، درآمد، طبقه اجتماعی) در خشونت سیاسی - قومی مؤثر بوده است. صالح‌آبادی و همکاران (۱۴۰۱). در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی افراد در انتخابات ریاست‌جمهوری شهر شیروان» نشان دادند که بین اعتماد، دین‌داری، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و رفتار انتخاباتی رابطه وجود دارد. هم‌چنین بین بی‌قدرتی سیاسی و رفتار انتخاباتی رابطه معنادار وجود نداشت. عوامل تأثیرگذار بر رفتار انتخاباتی در شهر شیروان شامل اعتماد، دین‌داری، پایگاه اجتماعی و عوامل اقتصادی بود. حسینی و همکاران (۱۳۹۹). در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر میزان مشارکت سیاسی مردم شهر کنگان و عسلویه در انتخابات» نشان دادند؛ تمامی متغیرهای تحقیق با مشارکت سیاسی رابطه مستقیم و مثبت دارند و میزان مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی مردم در هر دو شهر رابطه معنادار وجود داشت تحقیق کوئینتلیر و هوگه (۲۰۱۲) با عنوان «تأثیر وضعیت اجتماعی-اقتصادی بر مشارکت سیاسی» نشان می‌دهد وضعیت اجتماعی-اقتصادی جوانان نسبت به وضعیت اجتماعی-اقتصادی والدین تأثیر بیشتری بر مشارکت سیاسی دارد. وضعیت اجتماعی-اقتصادی نوجوانان نه تنها سطح مشارکت سیاسی در زمان اندازه‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه دو سال بعد نیز تأثیرگذار است. این نشان می‌دهد که افراد با تحصیلات بالاتر یا در مسیرهای تحصیلی بالاتر، نه تنها احتمال بیشتری برای مشارکت دارند، بلکه در آینده نیز احتمال بیشتری برای مشارکت دارند: شکاف بین فعالان و غیرفعالان حتی با گذشت زمان بیشتر می‌شود. کیم و همکاران (۲۰۲۳). در پژوهش خود با عنوان «نابرابری اقتصادی و مشارکت سیاسی در دموکراسی‌های شرق آسیا: نقش نابرابری در آمدی ادراک شده و تحرک بین‌نسلی» نشان دادند نابرابری یک مفهوم چندوجهی است و مکانیزم‌های تلاقی نابرابری و مشارکت می‌توانند بسته به متن منطقه‌ای، اجتماعی و سیاسی متغیر باشند. دیوید گافمن (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «انتخابات ایران: تعیین کمی فعالیت آنلاین» به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا می‌توان با استفاده از ابزارهای جدید گردآوری اطلاعات در برنامه‌های کاربردی اجتماعی، تأثیر رسانه‌های اجتماعی را بر سیاست و جامعه را سنجید؟ در نهایت پاسخ به صورت مستقیم بر نسل جوان را می‌دهد. پارک لین (۲۰۰۱). در پژوهش

خود با عنوان «شکاف‌های اجتماعی و انتخابات» در زندگی مدرن احزاب دارای قدرت زیادی برای تأثیرگذاری بر شکاف و شیوه زندگی افراد برخوردار هستند بر تأثیرگذاری شکلف‌ها بر زندگی جدید پرداخت. تد رابرت گر و همکارانش (۲۰۰) «روش‌های نوین مطالعات قومی». به سنخ‌شناسی گروه‌های که در کشورهای خود با آنها رفتار نابرابر و مجزا دارند پرداخته و به دلایل بروز شورش‌های قومی در نواحی مختلف توجه کرده‌اند. منزا و بروکس (۱۹۹۹). «شکاف اجتماعی و تغییر سیاست» به شکاف در جامعه‌شناسی معاصر برای آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری مورد استفاده قرار گرفته که در جریان مبارزات انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی مشاهده می‌شود پرداخته‌اند. آنچه مدنظر هست برای این کار پژوهشی، ابتدا سعی در شناخت جامع از مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران و انواع آنها می‌گردد و سپس به بررسی مشارکت سیاسی و انتخابات و نظریه‌های مشارکت سیاسی به‌خصوص انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. در این پژوهش سعی در کاربست هم‌زمان استفاده از راهنمایی خبرگان و صاحب‌نظران، اساتید و متون و منابع معتبر هست. تا با استفاده از آنها مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ریاست‌جمهوری به‌خصوص در استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان را مورد بررسی قرار گیرد.

نوآوری پژوهش

به دلیل وجود عوامل اثرگذار بر مشارکت سیاسی در ایران، گفتمان‌های مختلف با بهره‌گیری از مهم‌ترین این عوامل برای کسب قدرت همواره سعی در شناخت و ارزیابی این عوامل داشته‌اند. در این میان انتخابات ریاست‌جمهوری به دلیل نقش و جایگاه آن عرصه بروز و اثرگذاری این عوامل را داشته است.

بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که تاکنون در زمینه عوامل اثرگذار بر مشارکت سیاسی و انتخاباتی استان‌های مرزنشین کردستان و سیستان و بلوچستان با توجه به شرایط داخلی و خارجی کشور از منظر اثرگذاری این عوامل بر انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم گار خاصی صورت نگرفته است. به همین منظور این پژوهش با استفاده از میدان و روش پیمایشی تلاش دارد ضمن نقد و بررسی پژوهش‌های انجام شده عوامل مؤثر بر

مشارکت سیاسی و انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم را در استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان مورد بررسی قرار دهد.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ اجرا از نوع توصیفی - پیمایشی می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ گردآوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی است. جامعه آماری پژوهش شامل سیاست‌مداران محلی (استانداری، فرمانداری)، اساتید دانشگاه و دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان (شهر سنندج و زاهدان) است با توجه به افراد واجد شرایط و در دسترس ۱۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه از اساتید و دانشجویان و سیاست‌مداران سیاسی اجتماعی به صورت نمونه‌گیری ساده تصادفی انتخاب گردید. در این پژوهش از راهنمایی و نظر اساتید دانشگاه و کارشناسان حوزه جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در طراحی گویه‌ها بهره گرفته شده است و اعتبار صوری ابزار پژوهش به دست آمد. علاوه بر این، از سؤالات پژوهش‌های مشابه در زمینه مشارکت سیاسی مانند مقاله حسینی و همکاران (۱۳۹۹)، پایان‌نامه وحیدی (۱۳۹۷) و مقاله عموزاده و همکاران (۱۴۰۲) بعد از انطباق با شرایط جامعه مورد مطالعه، استفاده شده است. با توجه به مطالعات انجام شده؛ مشخص گردید چهار عامل؛ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی عوامل تشکیل‌دهنده تأثیرگذار در انتخابات هستند. نتایج ارزیابی ضریب آلفای کرونباخ نشان داد همه متغیرهای پژوهش آلفای بالای ۰/۷ دارند. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیات از نرم‌افزار SPSS 23 استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش

نتایج یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد ۳۲٪ از پاسخگویان زن و ۶۸٪ از پاسخگویان مرد هستند. در توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب سن مشخص گردید کمترین میزان فراوانی در گروه سنی ۲۵-۳۰ سال (با فراوانی ۸٪) قرار دارد و بیشترین میزان فراوانی در گروه بالای ۳۱-۳۶ سال با فراوانی ۳۲٪ قرار دارد. در توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات مشخص شد، کمترین میزان پاسخگویی در گروه کارشناسی با درصد فراوانی ۶٪ بوده است و بیشترین میزان فراوانی پاسخگویی ۵۳٪ در گروه دکتری وجود دارند. در توصیف نوع شغل پاسخگویان

مشخص گردید بیشتر پاسخگویان کارمند با درصد فراوانی (۴۵٪) و استاد دانشگاه با درصد فراوانی (۳۵٪) هستند و ۴٪ از پاسخگویان مشاغلی به جز دانشجو، کارمند و استاد دانشگاه دارند.

توزیع نرمال بودن داده‌ها

جهت بررسی فرض نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای پرسش‌نامه برای بررسی فرضیات پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است و بر اساس نتایج حاصل، آزمون‌های مناسب برای بررسی صحت فرضیات تحقیق را اتخاذ می‌شود.

جدول ۱. نتیجه آزمون نرمال بودن متغیرها

متغیرهای تحقیق	K-S	سطح خطا	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
عوامل اقتصادی	۰/۲۲۳	۰/۰۵	۰/۱۳	نرمال
عوامل سیاسی	۰/۴۸۱	۰/۰۵	۰/۰۷	نرمال
عوامل اجتماعی	۰/۴۴۷	۰/۰۵	۰/۱۱	نرمال
عوامل مذهبی	۰/۲۰۴	۰/۰۵	۰/۰۹	نرمال
مشارکت سیاسی	۰/۳۲۸	۰/۰۵	۰/۰۷	نرمال

از آنجائی که باتوجه به نتایج جدول ۱- مقدار سطح معناداری برای تمام متغیرها بزرگتر از خطای (سطح معناداری) ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه داده‌ها دارای توزیع نرمال می‌باشد. لذا برای بررسی فرضیات تحقیق از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود.

آزمون پژوهش

فرضیه اول: عوامل اقتصادی در مشارکت سیاسی عمومی تأثیرگذار است. وضعیت اقتصادی مستقیماً بر زندگی روزمره شهروندان تأثیر دارد. اگر اقتصاد کشور به خوبی جوابگوی نیازهای مردم نباشد، افراد ممکن است به دلایل مختلف از جمله ناتوانی در تأمین معیشت، در مسائل سیاسی مانند انتخابات کمتر مشارکت کنند. تورم و عدم پایداری ارزی نیز می‌تواند تأثیر منفی بر معیشت مردم داشته باشد و افراد را به سمت مشارکت سیاسی کمتر کشاند. عدم استقرار اقتصادی می‌تواند احساس عدم امنیت اقتصادی را افزایش دهد. بنابراین عامل اقتصادی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در مشارکت سیاسی عمومی است. هر دو متغیر از نوع

فاصله‌ای و توزیع متغیر وابسته دارای توزیع نرمال است. بنابراین برای سنجش تأثیر متغیر مستقل بر وابسته از روش رگرسیون خطی ساده استفاده می‌شود. جدول شماره ۲. مدل رگرسیونی تأثیر عوامل اقتصادی در مشارکت سیاسی عمومی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. مدل رگرسیونی تأثیر عوامل اقتصادی در مشارکت سیاسی عمومی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square)	مقدار آزمون F	سطح معنی داری آماره F
هم‌زمان	۰.۸۴۵	۰.۷۱۴	۰.۷۱۱	۲۲/۹۴	۰/۰۰۰

نتایج آزمون فرضیه نشان می‌دهد بین دو متغیر عوامل اقتصادی و مشارکت سیاسی همبستگی قوی (۰/۸۴۵) وجود دارد. ضریب تعیین (R Square) برابر با ۰/۷۱۴ که نشان می‌دهد متغیر مستقل پژوهش توانسته، بیش از ۷۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند. از طرفی سطح معنی داری آماره F برابر ۰/۰۰۰ که نشان می‌دهد همبستگی معنادار بین دو متغیر معنی دار است.

فرضیه دوم: عوامل سیاسی در مشارکت سیاسی عمومی تأثیرگذار است. در این فرضیه نیز تأثیر متغیر مستقل (عوامل سیاسی) بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین برای سنجش تأثیر یک متغیر مستقل به یک متغیر وابسته از روش رگرسیونی ساده خطی استفاده می‌شود. جدول شماره ۲- مدل رگرسیونی تأثیر عوامل سیاسی در مشارکت سیاسی عمومی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. مدل رگرسیونی تأثیر عوامل سیاسی در مشارکت سیاسی عمومی

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted (R Square	مقدار آزمون F	سطح معنی داری آماره F	
۰/۴۱۲	۰/۴۰۱	۰/۳۹۷	۶۷/۱۳	۰/۰۰۰	

ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی هم‌زمان متغیرهای مورد بررسی برای تبیین مشارکت سیاسی عمومی برابر با (۰/۴۱۲) است که نشان می‌دهد بین متغیر مستقل و متغیر وابسته همبستگی بسیار ضعیفی وجود دارند. نسبتی از واریانس متغیر ملاک (وابسته) که توسط متغیرهای پیش‌بین (مستقل) تحقیق تبیین شده برابر با (۰/۴۰۱) درصد است که نشان‌دهنده این است که متغیرهای مستقل تحقیق توانسته‌اند بیشتر از ۴۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی نمایند و (۶۰٪) درصد تغییرات متغیر وابسته (مشارکت سیاسی عمومی) توسط متغیرهایی که وارد معادله رگرسیونی نشده‌اند، تبیین و پیش‌بینی می‌شود. سطح معنی داری آزمون F برابر با (۰/۰۰۰) دلالت بر آن دارد که مدل رگرسیونی تحقیق مدل مناسبی برای تبیین متغیر وابسته است. به عبارت دیگر، متغیرهای تحقیق قادرند که تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

فرضیه سوم: عوامل اجتماعی در مشارکت سیاسی عمومی تأثیرگذار هستند. پیرامون عوامل اجتماعی که در مشارکت سیاسی عمومی تأثیرگذار هستند می‌توان به عملکرد مسئولین و میزان عملی شدن وعده‌های آنان اشاره نمود. همچنین شبکه‌های اجتماعی که باعث شده است گروه‌های مختلف سیاسی و معاند بر آگاهی کاذب طبقات و اقشار مختلف تأثیرگذار شوند. عوامل اجتماعی و تغییرات اجتماعی در دهه اخیر عامل مهم در مشارکت سیاسی افراد بوده است. متغیرها در سطح فاصله‌ای می‌باشند و متغیر وابسته دارای توزیع نرمال، بنابراین برای بررسی تأثیر یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون ساده استفاده می‌شود. جدول شماره ۳. مدل رگرسیونی عوامل اجتماعی در مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. مدل رگرسیونی عوامل اجتماعی در مشارکت سیاسی

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square)	مقدار آزمون F	سطح معنی داری آماره F
۰/۸۱۰	۰/۶۵۷	۰/۶۵۳	۱۸/۷۵	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج به دست آمده ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی هم زمان متغیرهای مورد بررسی برای تبیین مشارکت سیاسی برابر با ۰/۸۱۰ است که نشان می دهد بین متغیر مستقل و متغیر وابسته همبستگی بسیار قوی وجود دارد. از طرفی ضریب تعیین در این فرضیه برابر با ۰/۶۵۷ است که نشان دهنده این است که متغیر مستقل (عوامل اجتماعی) توانسته بیش از ۶۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند، ۳۵ درصد از همبستگی توسط متغیرهایی که وارد معادله نشده است.

فرضیه چهارم: عوامل مذهبی در مشارکت سیاسی عمومی تأثیر گذار هستند. در کنار عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عامل مذهبی یکی از عوامل مورد مطالعه در مشارکت سیاسی عمومی در این رساله مورد بحث قرار گرفت. با این حال به دلیل عدم تکرر ادیان مختلف در ایران و مسلمان بودن اکثریت جمعیت کشور، یکپارچگی مذهبی باعث شده است عامل مذهبی کمترین تأثیر را در کیفیت مشارکت سیاسی داشته باشد. جدول شماره ۴. مدل رگرسیونی عوامل اجتماعی در مشارکت سیاسی را نشان می دهد.

جدول شماره ۵. مدل رگرسیونی تأثیر عوامل مذهبی بر مشارکت سیاسی عمومی

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square)	مقدار آزمون F	سطح معنی داری آماره F
۰/۳۰۵	۰/۲۹۳	۰/۲۷۴	۱۱/۴۵	۰/۰۰۰

همان‌طور که پیش‌تر ذکر گردید نتایج آزمون فرضیه نشان می‌دهد بین دو متغیر عوامل مذهبی و مشارکت سیاسی همبستگی ضعیفی ($0/305$) وجود دارد. ضریب تعیین برابر با $0/293$ که نشان می‌دهد متغیر مستقل پژوهش توانسته، حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند. از طرفی سطح معنی‌داری آماره F برابر $0/000$ که نشان می‌دهد همبستگی بین دو متغیر معنی‌دار است. با این حال عامل مذهبی تأثیر ضعیفی در مشارکت سیاسی عمومی دارد.

اولویت‌بندی عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی عمومی:

در این قسمت با استفاده از آزمون فریدمن به رتبه‌بندی عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی عمومی می‌پردازیم. آزمون فریدمن برای مقایسه رتبه‌های میانگین گروه‌های سه یا بیشتر در یک متغیر دسته‌ای با یک متغیر وابسته پیوسته ۲ استفاده می‌شود. این آزمون در واقع یک نسخه از آزمون رنک کروسکال-والیس ۳ برای دسته‌های بیشتر از دو گروه است.

جدول شماره ۶. رتبه‌بندی عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی

رتبه	میانگین	عوامل
3	۲/۴۷	سیاسی
1	۳/۵۷	اقتصادی
2	۲/۷۷	اجتماعی
4	۱/۲۰	مذهبی
Asymg.sig= 0/000		

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود با توجه به نتایج آزمون فریدمن و میانگین عوامل مورد بررسی پیرامون عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی عمومی، از دیدگاه پاسخگویان عامل اقتصادی (۳/۵۷) مهم‌ترین عامل در مشارکت است. پس از آن عامل اجتماعی (۲/۷۷) مهم‌ترین عامل محسوب می‌شود. از دیدگاه پاسخگویان عامل مذهبی (۱/۲۰) کمترین تأثیر را در مشارکت سیاسی دارد.

1 categorical variable

2 continuous variable

3 Kruskal-Wallis

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مشارکت مردمی در انتخابات در دهه‌های گذشته (دهه هفتاد و هشتاد) بالا بود. در سال ۸۸ تحریم های آمریکا که موجب افزایش نرخ و تورم و افزایش قیمت دلار، خودرو و اجناس اولیه گردید، نارضایتی ها افزایش یافت با این حال مشارکت در انتخابات در سطح خوبی قرار داشت. در این میان، افزایش گرانی و تورم از بعد داخلی و فعالیت شبکه های معاند از بعد خارجی نیز بر کاهش میزان مشارکت اثر گذار بوده است. با توجه به مسائل مورد بحث؛ راه کارهای خبرگان و فرضیات پژوهش؛ پیشنهادات خبرگان برای افزایش مشارکت سیاسی به شرح زیر است.

در انتخابات ۱۴۰۰ یکی از مسائلی که مشارکت در انتخابات را تحت تأثیر قرار داد، مشکلات اقتصادی مردم بود. برخی رسانه‌های داخلی و جریان‌های سیاسی علت اصلی مشارکت نکردن مردم در انتخابات را مسائل سیاسی مثل عدم احراز صلاحیت برخی نامزدها و حضور نداشتن نامزد مورد علاقه عنوان کرده بودند، اما مشکلات اقتصادی مردم و ناکارآمدی مسئولان سهم مهمی در این عدم مشارکت داشت؛ به طوری که نتایج مرکز تحقیقات صداوسیما نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد مردم مشکلات اقتصادی و ناکارآمدی مسئولان را عامل اصلی عدم شرکت در انتخابات می‌دانند و ۲ درصد مسائلی همچون عدم احراز صلاحیت‌ها را علت این مسأله می‌دانند. یافته‌های افکارسنجی ایسپا که مربوط به شرکت مرددین در این انتخابات و تأییدکننده موضوع فوق است، نشان می‌دهد، تقریباً نیمی از افراد در نظرسنجی گفته‌اند در صورتی که شرایط اقتصادی بهتر شود، از دودلی خارج شده و در انتخابات شرکت خواهند کرد. در پاسخ به سؤال نظرسنجی ایسپا که «اگر نامزدها برنامه جدی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور داشته باشند، همچنین نرخ تورم تک‌رقمی دولت یازدهم در اسفند ۱۳۹۹، در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم بین ۴۰ تا ۴۴ درصد در نوسان بوده است. بی‌ثباتی و افزایش نرخ ارز، کاهش نرخ رشد اقتصادی، تولید ناخالص ملی و... به ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی، همگی بیانگر اوضاع نابسامان اقتصادی ایران است. در مشارکت سیاسی انتخاباتی ۱۴۰۰ آنچه که بیش از دیگر مقوله‌ها برای مردم ایران قابل لمس بود، پایگاه اجتماعی با شاخص‌هایی چون میزان درآمد، موقعیت اجتماعی و جایگاه طبقاتی است. به نظر می‌رسد تورم زیاد، بیکاری شهروندان به ویژه دانش‌آموختگان دانشگاهی، کاهش رفاه، افزایش مشکلات معیشتی، بر نتیجه مشارکت بر آراء باطله نیز اثر گذار بوده است. در طول

حاکمیت دولت اعتدال وجود یک برنامه و راهبرد کلان اقتصادی نامطلوب و انفعال در حوزه های گسترده چون صنعت و مسکن، و به طور کلی تولید، بی برنامه‌گی قابل لمس در حوزه معیشت، تجارت و کسب کارها عملکرد نادرست خود را به خوبی در پیشگاه شهروندان گذاشته است. نتایج مدیریتی یاد شده به گونه ای روشن و قابل احساس، نشان دهنده عمق عدم مطلوبیت اقتصادی است که بخش های گوناگون اقتصاد ایران از کشاورزی تا معدن، نفت تا صنایع پایین دستی، از تورم تا بیکاری، از بورس تا نرخ ارز همه و همه باعث شد که عملکرد دولت روحانی در پیشگاه عموم قرار گیرد. به این ترتیب، در میان اقشار گوناگون در جامعه، این احساس به گون ای فزاینده شکل گرفته که در بین نخبگان دولتی چرخش صورت گیرد.

پیشنهادهات:

۱. از تمرکز امکانات اقتصادی و صنعتی در مرکز کشور و شهرهای پرجمعیت کاسته شود و به مناطق محروم مرزی از نظر اقتصادی و توسعه صنعتی توجه بیشتری شود تا بیکاری و مشکلات اقتصادی در این نواحی کاهش یابد.
۲. توجه به شایسته سالاری و داشتن مهارت و علم کافی در عرصه ی رسیدگی به امور مردم در انتخاب و تشخیص صلاحیت نماینده ها می تواند باعث جلب اعتماد عمومی و افزایش تمایل آنها برای شرکت در انتخابات باشد.
۴. توجه به شخصیت ها و بزرگان محلی و بومی و به رسمیت شناختن این افراد در مناطق حاشیه ای می تواند احساس تبعیض و طرد شدگی را کاهش دهد.
۵. درآمدها (اعم از مالیات ها، فروش نفت و مواد معدنی) بیشتر از سابق در جهت رفع محرومیت ها و حمایت از اقشار کم درآمد صرف شود. ایجاد فرصت های شغلی و حمایت از کسب و کارهای کوچک توسط دولت می تواند بخش زیادی از مشکلات اقتصادی کشور را حل نماید.

فهرست منابع

- Abdolmuttalib Abdullah (2013) Analysis of Voting Behavior in Iran, Tehran: Imam Sadeq University Press.
- Adrian, C. and Apter, D. A. (1995). Political Protest and Social Change: Analyzing Politics. London: Mc Millan. P 260.
- Alam, Abdarhaman (2004). Foundations of Political Science, 10th Edition, Tehran: Ney Publishing House.
- Amuzadeh, Azam; Kord Zanganeh, Manouchehr; Dostri, Amir Ali (2013). Study of cultural and individual factors affecting political participation: a case study; Participation of citizens of Ilam province in the elections of the representative of the Islamic Consultative Assembly of the 11th term, Quarterly Journal of Intercultural Studies, Volume 18, Issue 56.
- Anthony H. Birch(1993). The Concepts and Theories of Modern Democracy. (London and New York: 1993 Routledge), p: 81. Political Participation of Young People in Europe: Development of Indicators for Comparative
- Ashairi, Taha; Zolfaghari, Akbar; Jahanparvar, Tahereh; Rahami, Faezeh (2013). Meta-analysis of research related to political-ethnic violence: Time period 2007-2013, Policy Strategy Research, Volume 12, pp. 56-92.
- Azizian, Omid et al. (1403). The role of local press in the process of political development in Iran (a case study of Kurdistan province after the Islamic Revolution of Iran), Quarterly Journal of Contemporary Iranian Government Studies, Volume 10, Issue 2
- Bidglo, Mehdi (1402). The protest pattern of educated youth in Tehran against government decisions in 1400 (with emphasis on the media space), Contemporary Iranian Government Studies, Volume 9, Issue 3.

- Dellaporta.D(2018), Can democracy be saved? : participation, deliberation and social movements, Ruhani .A, Trans Persian, Tehran:iran
- Firuzjanian, Ali Asghar, Jahangiri, Jahangiri (2008). Sociological analysis of students' political participation; a case study of students at the University of Tehran, two quarterly journals of social sciences, Faculty of Literature and Humanities, Year 5, Issue 1.
- Gaffney,Davin(2010), Iran Election: Quantifying Online Activism", Visiting Researcher, Rensselaer Polytechnic Institute,Troy, 1-(503).
- Ghafouri, Akbar (2012). Study of factors affecting the electoral behavior of the people of Raber County, Master's thesis in Political Science, Ministry of Science, Research and Technology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Yazd University.
- GinieniewiczThe,J(2007).Scope of Political Participation, Journal of International Migration and Integration, Volume 8, pages 327–345
- Hamilton, Malcolm (2010). Sociology of Religion, translated by Mohsen Salasi, Tehran, Sales Publishing House.
- Held, David, (2018). Models of Democracy, translated by Abbas Mokhbar, Tehran: Intellectuals and Women's Studies.
- Hosseini, Seyyed Abolghasem; Chitsaz, Eder; Nabi-Allah (2019). Study of the Effect of Social and Economic Factors on the Level of Political Participation of People in Kangan and Asaluyeh in Elections, Islamic Lifestyle with a Health Focus, pp. 208 - 199.
- Imam Jomezadeh, Seyyed Javad; Karami Rad, Javad (2012). Analysis of factors affecting electoral behavior with a view to Iran, Journal of Political Research, Volume 2, Issue 1 (3 consecutive issues), pp. 9-36.
- Inglehart, Ronald (2001). Cultural Transformation in Advanced Industrial Society, Translator: Maryam Weter, Tehran: Kavir Publishing House.
- Manzano, J and Brooks, C. (1999). Social Cleavages an Politics change, Oxford: Oxford University Press.
- Memar, Rahmatullah. Revolutionary struggle, post-revolutionary participation: a comparative analysis within the country of Iran. Tehran: Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute Publications.
- Navabakhsh, Mehrdad; Rezaei, Mohammad; Rahimi, Maria (2014). Study of the relationship between the level of citizens' trust and their level of social participation (case study: Ilam city) , Urban Sociological Studies, Year 4, Issue 10.
- Nozari, Hossein Ali (2005) Social Crises and Threats, Social Welfare Scientific Research Quarterly, 4(6), pp. 37-43.
- Parchami, Davud (2007). Study of Public Participation in the Ninth Presidential Election, Tehran: University of Humanities
- Pippa Norris(2002), "Political Activism: New Challenges, New Opportunities" in Charles Boix and Susan C. Stokes (eds.) , The Oxford Handbook of Comparative Politics, New York: Oxford university.
- Prklyn, F. and Weber, M. (2001). Routledge, p 60- 70
- Quintelier, E., & Hooghe, M. (2012). The impact of socio-economic status on political participation. In Democracy in transition: Political participation in the European Union (pp. 273-289). Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg.
- Rafiei Ghahsare, Abuzar, Amini Kulthum (1402). The continuation of the plurality of political forces and the factors affecting it in Iran after the Islamic Revolution, Quarterly Journal of Contemporary Iranian Government Studies, Volume 9, Issue 4.
- Rush, Michael (2014). Political Sociology, translated by Manouchehr Sabouri, 9th edition, Tehran: Samt.

- Sadeghi Sarcheshmeh, Morshedizad, (2013). The Role of Social Trust in the Motivation of Political Participation of Youth in Yazd City, Quarterly Journal of Continuity and Social Change, 1-23.
 - Salehabadi, Ebrahim; Ghorbani, Alireza; Salimi Amanabad, Tahereh (2012). Study of factors affecting the electoral behavior of individuals in the presidential elections of Shirvan, Iranian Political Sociology Monthly, Volume 5, Issue 12
 - Seyed-Emami, Kavous (2007). Students' Political Participation: An Evaluation of Some Predictors of Political Participation. Journal of Political Science 2, No. 1
 - Seyed-Emami, Kavous, Abdol-Muttalib, Abdullah (2009). Factors Affecting Citizens' Participation in Presidential and Parliamentary Elections; A Case Study of Tehran, Journal of Political Science, Fall 4th Year, No. 4
 - Ted Robert Gurr (2000), Peoples Versus States: Minorities at Risk in the New Century, Washington: United States Institute of Peace Press .
 - Vahidi, Elham (2018). Patterns of Women's Political Participation in Iran, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, Master's Thesis in Political Science.
 - Van, Deth. J,W(2014). A conceptual map of political participation, Acta Politica, Volume 49, pages 349-367
 - Weiner, Myron (2001). Political Participation: Crisis of the Political Process, Collection of Articles on Crises and Sequences in Political Development", translated by Gholamreza Khajeh Sarvi, Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications.
 - Zakeri, Mohammad Amin (2015). Political Participation, Tehran: Mohammad Amin Zakeri Publications.
 - Kim, M. S., Kim, D., & Lee, S. J. (2023). Economic Inequality and Political Participation in East Asian Democracies: The Role of Perceived Income Inequality and Intergenerational Mobility. Journal of Asian and African Studies, 00219096231168058
- Page 703-719.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی